



Investigating and comparing the dimensions of ethnic identity and national identity in the Turkmen people

Sajad Amozade Khalili ¹ | Jalil Dara ² | Zainab Hashemi Khah ³ | Abass Alipour ⁴

Abstract

The country of Iran is a multinational society that includes various cultural, linguistic and religious groups. What is extremely important in such societies is the creation and strengthening of national solidarity and at the same time preserving the diversity that can be seen in different fields in ethnic groups. The current research was carried out in the framework of quantitative method and with survey analysis. The statistical population consists of 299 Turkmen people in different Turkmen cities of Golestan province, and the questionnaires were divided among them according to the demographic balance of the clans. Data analysis was done at two descriptive levels for mean and frequency distribution and at inferential level for t-tests and correlation coefficient. Also from theories; Central identity, modernization and relative privacy were used to explain some of the statistical data. In general, the results show that the ethnic tendencies of the Turkmen people are not very strong in different dimensions, and this, in addition to the mentioned theoretical explanations, significantly shows the lack of understanding of the dimensions of ethnic history among these people, which is also an educational vacuum. In the relevant fields, it also reveals the dominance of culture and structure for this people. Of course, the statistics show that the tendency towards national identity and ethnic identity among the Turkmens of Golestan province is higher than the average. On the other hand, in a comparison, there is a significant difference between the tendency towards ethnic identity and national identity, and the average tendency towards ethnic identity among these ethnic groups is more than the tendency towards national identity.

Keywords: Turkmen people, ethnic identity, national identity, attitude, comparison of two identities.

1. PhD student, Mazandaran University, Babolsar, Iran s.amoozad74@gmail.com
 2. Associate Professor, Political Science, Iranian Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
 3. Postdoctoral Researcher, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
 4. Associate Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran
- DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.9.6





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



بررسی و مقایسه ابعاد هویت قومی و هویت ملی در قوم ترکمن

سجاد عموزاد خلیلی^۱ | جلیل دارا^۲ | زینب هاشمی خواه^۳ | عباس علیپور^۴

چکیده

کشور ایران جامعه کثیرالقومی است که گروه‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی گوناگون را در خود جای داده است. آنچه در این گونه جوامع اهمیت فوق العاده دارد، ایجاد و تقویت همبستگی ملی و در عین حال حفظ تنوع و گوناگونی است که در عرصه‌های مختلف در اقوام دیده می‌شود. پژوهش حاضر در چارچوب روش کمی و با تحلیل پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری، ۲۹۹ نفر از مردمان ترکمن در شهرهای مختلف ترکمن‌نشین استان گلستان می‌باشد که به توازن جمعیتی طوایف، پرسشنامه-ها بین آنان تقسیم گردید. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی برای میانگین و توزیع فراوانی و در سطح استنباطی جهت آزمون‌های تی و ضریب همبستگی انجام شد. همچنین از نظریات؛ هویت مرکزی، نوسازی و محرمیت نسبی برای تبیین قسمتی از داده‌های آماری کمک گرفته شد. در کل نتایج نشان می‌دهد گرایش‌های قومی مردمان ترکمن در ابعاد مختلف چندان قوی نمی‌باشد و این امر علاوه بر تبیین نظری اشاره شده در حد قابل توجه‌ای نشان از فقدان شناخت ابعاد تاریخ قومی بین این مردمان می‌باشد که این مسأله نیز خلاء آموزشی در حوزه‌های مربوطه و همچنین غلبه فرهنگ ساختار را برای این قوم عیان می‌سازد. البته آمارها گویای آن است که میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. از طرفی در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت قومی بین این قوم بیش از گرایش به هویت ملی است.

کلیدواژه‌ها: قوم ترکمن، هویت قومی، هویت ملی، گرایش، مقایسه دو هویت

s.amoozad74@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. دانشیار، علوم سیاسی، مطالعات ایران دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. محقق پسادکتری جامع شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۴. دانشیار، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.63.9.6



نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

هویت قومی از هویت‌های میانی در عصر جدید به شمار می‌آید که فراتر از هویت فردی و فروتر از هویت ملی قرار دارد. از همین رو، این هویت دارای عناصر مشترکی با هویت ملی می‌باشد. عناصری از قبیل فرهنگ، تاریخ، مکان، زبان، نژاد، مذهب و... در محدوده اشتراک این دو هویت قرار دارند. این در حالی است که هویت ملی، به دلیل برخی کار ویژه‌های خاص خود، واجد برخی عناصر اختصاصی است. انحصار مشروع وسایل اجبار و به کارگیری زور، شناسایی به عنوان واحد اجرایی و تصمیم گیرنده در واحد سرزمینی خاص توسط دیگر واحدهای جهانی، از جمله عواملی هستند که بسیاری از عناصر اختصاصی مربوط با هویت ملی از آنها ناشی می‌شوند (احمدی و گنج‌خانلو، ۱۳۹۳: ۵).

اکثر ملت‌ها و کشورهای جهان از ترکیب جمعیتی یکسانی برخوردار نیستند و دارای تنوع و تکثر قومی می‌باشند. هر چند این تنوع و تکثر از گذشته بر پیکره جوامع انسانی سایه افکنده ولی تنها در چند سال اخیر است که مسأله قومیت، هویت قومی و اقلیت‌های آن مورد توجه محافل پژوهشی قرار گرفته است. مطالعه و پژوهش برای گروه‌های قومی در پی وقایع و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به کشورهایی از اقوام متفاوت، تجزیه کشور یوگسلاوی که پیامد قومیت‌گرایی افراطی و شدید بود و ظهور جنبش‌های فراملی نظیر پان‌ترکیسم، جملگی اهمیت و نقش گروه‌های قومی را در جوامع نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۱).

از طرف دیگر در سال‌های اخیر با سرعت گرفتن ارتباطات زمینه برای ایجاد و تقویت ارتباطات قومی ایجاد شده است این مسأله با فرآیند جهانی‌سازی که باعث تضعیف و کم‌رنگ شدن نقش هویت‌ساز دولت شده، وضعیت جدی‌تر را ایجاد کرده است. جهانی‌سازی با نفوذپذیر ساختن مرزها و فضامحوری امر اجتماعی به جای مکان‌مندی آن، نقش دولت را در امر هویت-سازی به چالش کشیده و بسترهای مناسبی برای ظهور بحران هویت و معنا فراهم آورده و در عین حرکت هم‌شکلی، انواع هویت قومی را به عنوان مقاومت در برابر گسترش جهانی‌شدن تقویت نموده است (حاجیان، ۱۳۸۷: ۱۴۴). جوامعی که به صورت چندگانگی فرهنگی هستند در طول

تاریخ سیاسی خود مواجهه با شکاف‌های مذهبی و قومی و... با موضوعات و مسائل مهمی مانند تهدیدات امنیت ملی و اقتدار در سطح ملی روبرو بوده‌اند. مسأله قومیت یکی از مسائل بغرنج در کشورهای گوناگون می‌باشد. کشورهای که تنوعات اجتماعی و قومی دارند چالش‌هایی متعددی را تجربه می‌کنند. در کشور ما نیز فعال شدن این شکاف‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و کشمکش و خشونت سیاسی و بی‌ثباتی باشد (گودرز، ۱۳۹۳: ۸). در کشور ایران که از اقوام متعدد تشکیل شده، مسأله تأثیر و چگونگی رابطه بین هویت قومی و ملی از موضوعات مهم و مورد توجه محققان و نیز سیاستگذاران و برنامه‌ریزان دولتی بوده است. در همین راستا پایان‌نامه‌ها، طرح‌ها، مقالات و کتب زیادی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. لذا هویت ملی و هویت قومی و بررسی مسائل مرتبط هویت و ابعاد آن به یکی از موضوعات اصلی و محوری علوم انسانی در کشور بدل شده آنطور که ادبیات قابل توجهی در این زمینه در سطح ملی تولید شده است (همان). علاوه بر مسائلی که در بالا ذکر شده است، در شرایط کنونی کشور ما نیازمند همدلی و وحدت ملی بیشتر می‌باشد. این همدلی لزوم توجه به مسأله قومیت را افزایش می‌دهد. تحقق این وفاق و همدلی در ابعاد مختلف بخصوص در شرایط کنونی برای کشور بسیار ارزشمند می‌باشد از جمله؛

- ۱- ابعاد سیاسی و امنیتی: وفاق ملی برای حفظ تمامیت ارضی و ممانعت از تجزیه کشور، عنصری حیاتی به شمار می‌آید، اختلاف اقوام و گروه‌ها با دولت مرکزی یا اختلاف بین اقوام مختلف موجب تضعیف دولت ملی شده و امنیت ملی را با مخاطره مواجه می‌گرداند.
- ۲- بعد اقتصادی: واضح است امنیت و آرامش مهمترین اصل اساسی برای توسعه و پیشرفت یک کشور می‌باشد و نزاع و درگیری‌ها و حتی خصومت‌های پنهان می‌تواند توان، وقت و سرمایه زیادی را برای ملت و دولت تحمیل کند و از شکل‌گیری اقتصادی فعال ممانعت به عمل آورد.
- ۳- بعد فرهنگی: از این جنبه نیز مرزبندی‌های قومی به بهانه حفظ و بقا ارزشی و سنن فرهنگی می‌تواند منجر به انزوا آن‌ها شود در حالی که مبادلات فرهنگی دو جانبه و برابر و عدم سیطره ارزش‌های یک گروه بر گروه دیگر موجبات رشد و بالندگی فرهنگی را فراهم آورد (سخاوتی‌فر، ۱۳۸۶: ۳).

قوم ترکمن در قلمروهای متعددی پراکنده‌اند. آنها غیر از کشور ترکمنستان که زیستگاه اصلی‌شان به شمار می‌آید در کشورهای ایران، چین، افغانستان، ترکیه و عراق ساکن‌اند. بنا به

نوشته وامبری طوایف ترکمن به ۹ دسته؛ یموت، تکه، قره، ساریق، گوگلان، سالور، آل علی، ارساری و چاودر، تقسیم می‌شوند. ترکمن‌های ایران اکثراً از سه طایفه یموت، گوگلان و تکه بوده و در این بین یموت‌ها بیشترین جمعیت را دارا هستند (گلی، ۱۳۶۶: ۲۱۰). ترکمن‌های ایران در استان گلستان در سرزمینی واقع در بین دو رود اترک و قره‌سو در استان خراسان شمالی و رضوی در بخش‌های قوچان، بجنورد و سرخس زندگی می‌کنند. اکثریت ترکمن‌های ایران در استان گلستان ساکن‌اند. ترکمن‌ها از دیرباز در این مکان می‌زیسته‌اند و زمان مهاجرت آن‌ها به دشت‌های استان گلستان به طور تقریبی به قرن نهم هجری برمی‌گردد. در زمان تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، آرام آرام ترکمن‌ها به سکونتگاه‌های فعلی خود کوچ کرده و در آنجا سکنی گزیده‌اند و این منطقه به مرور زمان به سبب حضور این دو قوم، ترکمن صحرا نامیده شده است. جمعیت ترکمن‌ها بیش از ۳۳ درصد ساکنین استان گلستان را شامل می‌شود و تراکم جمعیت آن‌ها بیشتر در کناره‌های مرزی در شهرهای بندر ترکمن (۸۵ درصد)، آق‌قلا (۹۸ درصد)، کلاله (۵۵ درصد)، مینودشت (۴۰ درصد)، گمیشان (۱۰۰ درصد)، می‌باشد. مابقی به تعداد کمی در شهرهای گرگان به عنوان مرکز استان گلستان زندگی می‌کنند که از لحاظ دین، مسلمان و حنفی مذهب می‌باشند.

اگرچه قوم ترکمن از اقلیت‌های قومی (۲ درصد) در سرزمین ایران محسوب می‌شوند و پراکندگی چندانی ندارند اما با توجه به طایفه‌های متعدد این قوم به مثابه سرمایه‌های ارزشمند اجتماعی و همچنین با رویکرد موضوعیت قومی و اهمیت تمامی اقوام در تقویت و اتحاد ملی، ارزیابی جنبه‌های هویتی این قوم اهمیت شایانی دارد. لذا در این تحقیق به جهت شناخت و شناسایی بیشتر قوم ترکمن به دنبال بررسی ابعاد مختلف هویت قومی و همچنین شناسایی شاخص‌ها و میزان هویت ملی و نیز مقایسه این دو هویت، در آنان می‌باشیم. از این رو همسو با اهداف پژوهش فرضیاتی به شرح ذیل طرح شده است؛

- ۱- گرایش به هویت قومی و هویت ملی در بین ترکمن‌های استان گلستان بالاتر از متوسط است.
- ۲- بین میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی در بین ترکمن‌های استان گلستان، تفاوت

وجود دارد.

- ۳- بین سن، درآمد، هزینه و تحصیلات با هویت قومی رابطه وجود دارد.

- ۴- بین سن، درآمد، هزینه و تحصیلات با هویت ملی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میانگین گرایش به هویت قومی بر حسب جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین میانگین گرایش به هویت ملی بر حسب جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

اهمیت هویت قومی و در راستای آن هویت ملی، یکی از دلایلی است که پژوهشگران داخلی (نه چندان کافی) و خارجی به آن پرداخته و پژوهش‌هایی در این حوزه انجام داده‌اند. برخی محققین به بررسی هویت قومی در بین اقوام به طور خاص پرداخته‌اند و برخی دیگر بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی و تأثیر این دو بر یکدیگر را مورد توجه قرار داده‌اند. ضمن آنکه محققینی نیز با نگاه‌های تاریخی به بررسی تحولات قومی و ریشه تاریخی این تحولات به طور کلی نظر داشته‌اند. به عنوان مثال؛ جلالی (۱۳۹۷)، به بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش آموزان ترک و کرد زبان در شهرستان میاندوآب پرداخته است. این محقق به دنبال آن بوده است که دریابد آیا پیوند ضعیف بین این دو قوم سبب انسجام ملی می‌شود یا نه. در نهایت پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که اگر ارتباط بین این دو قوم افزایش یابد هویت ملی تقویت می‌شود و بالعکس. از طرفی چلبی (۱۳۹۷)، در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی به این نتیجه دست یافت که دلبستگی ترک آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دلبستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر اقوام است. محمدزاده و خانی (۱۳۹۶)، نیز به بررسی زمینه‌هایی تاریخی و اجتماعی موثر بر شکاف قومی در ایران پرداخته‌اند. این دو پژوهشگر بعد از بررسی اسناد و مدارک به این نتیجه رسیدند که شکاف قومی در فرایند تاریخی در میان اقوام ایرانی فعال بوده و مواردی چون؛ تشکیل دولت متجدد و مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی و اجتماعی- فرهنگی و همچنین احساس تبعیض قومی که در این فعال شدن بسیار بیشتر از عوامل دیگر مؤثر بوده است، نقش برجسته‌ای داشته‌اند. و گودرز (۱۳۹۳)، نیز در رساله خود به بررسی وضعیت

شکاف قومی و مذهبی در منطقه غرب کشور (کرمانشاه و کردستان) و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. او با روش توصیفی و تحلیلی و همچنین تحلیل ثانویه یافته‌هایی پژوهش‌های پیشین در پی بررسی تاثیر شکاف قومی و مذهبی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. نهایتاً محقق به این مسأله پی می‌برد که تراکم شکاف قومی و مذهبی در منطقه کردنشین غرب کشور می‌تواند به خودی خود تضعیف در ساختار امنیت ملی را در پی داشته باشد. محققین خارجی نیز با نظر به مباحث هویتی ملی - قومی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. به عنوان نمونه؛ دریک (۲۰۱۹)، در پژوهشی به همگرایی ملی در اندونزی و به تأثیر نامساعد تجربیات تاریخی و سیاسی، ابعاد فرهنگی و اجتماعی، ابعاد اقتصادی، ابعاد اثر متقابل، الگوهای فضایی و مسؤولیت دولت در قبال تحقق همگرایی ملی به چشم‌انداز همگرایی ملی در این کشور پرداخته است. در نهایت این محقق به این نتیجه دست یافت که مسؤولیت دولت در قبال تحقق همگرایی، بر همگرایی ملی موثر می‌باشد. کی‌ونی (۲۰۱۷)، در این خصوص به نقش رسانه توجه دارد و با موضوعیت بازتاب روند همگرایی ملی و نقش رسانه‌ها در مالزی، بیان می‌کند، همگرایی ملی روندی است که از زمان استقلال مالزی همواره در این کشور مورد توجه بوده است و با توجه به نتایج پژوهش خود اذعان دارد؛ رسانه‌ها نقش مهمی در تقویت این روند به ویژه در انتشار سیاست‌های دولت دارند. شاه وایشاکیو (۲۰۱۷)، نیز در پژوهشی، چالش‌های همگرایی ملی و پاسخ استراتژیک پاکستان را بررسی کرد. تحقیق با توجه به جنبه‌های نظری مرتبط با همگرایی ملی در پاکستان و ارتباط آن با چالش‌ها و پیامدهای بالقوه برای این کشور ترسیم شد. محقق در نهایت جهت دستیابی به همگرایی ملی پاکستان به این نتایج رسید؛ ۱- ایجاد سیستم آموزشی کارآمد که قادر باشد فرصت برابر برای همه افراد ساکن این سرزمین فراهم کند. ۲- ایجاد زبان واحد که بتواند به یکپارچگی ملی کمک کند. ۳- مدارا و پذیرش یکدیگر بدون توجه به تعصبات قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی یا فرقه‌ای که بتواند به همبستگی ملی و ثبات سیاسی و اقتصادی منجر شود. همچنین ساباتیر (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای هویت قومی و هویت ملی میان جوانان نسل دومی مهاجر فرانسه را بررسی کرد. در این راستا دو عنصر زمینه‌های اجتماعی و خانواده در ارتباط با هویت فرهنگی، بر اساس دو جهت‌گیری قومی و ملی با دو عنصر تصدیق و اکتشاف مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق تمامی لایه‌های اجتماعی مانند گروه دوستان و درک تبعیض -

های اجتماعی در ارتباط با جنبه‌های هویتی قومی و ملی مهم دیده شدند اما والدین قوی‌ترین تاثیر را در این زمینه نشان دادند.

با نظر به تلاش‌های ارزشمند محققین پیشین و بهره از تجربیات علمی آنان، در پژوهش حاضر قصد داریم اقوام ترکمن را مورد بررسی قرار دهیم و با درک بهتر و شناخت دقیق‌تر این قوم نه تنها تعلقات قومیتی آنان را دریابیم بلکه موقعیت آنان را در ساختار کلی جامعه و سنجش میزان دلبستگی آنان به ملیت و کشورشان ایران جویا شویم. لذا بررسی این امر را مهم می‌دانیم که این قوم چه احساسی به هویت ملی و قومی خودشان دارند و با وحدت قومی و انسجام ملی چه نقشی در امنیت ملی ایفا توانند کرد.

محدوده پژوهش

استان گلستان از استان‌های شمالی ایران است. این استان بخشی از استان مازندران بود که در سال ۱۳۷۶ به صورت استانی مستقل به نام گلستان درآمد و گرگان به عنوان مرکز آن برگزیده شد. این استان در جوار استان مازندران، سمنان، خراسان شمالی بوده و از سمت شمال با جمهوری ترکمنستان ۲۰۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. این استان دارای ۱۴ شهرستان به نام‌های آزادشهر، آق‌قلا، گرگان، گنبدکاووس، بندر ترکمن، گمیش‌تپه، رامیان، کردکوی، بندرگز، علی‌آباد کتول، گالیکش، کلاله، مراوه تپه و مینودشت و دارای ۲۹ شهر و ۲۷ بخش و ۶۰ دهستان می‌باشد. بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر آن گرگان است از اقوام متعدد تشکیل شده و گروه‌های مختلف قومی نظیر کرد، ترکمن، بلوچ در آن ساکن هستند. حدود ۶۰ درصد استان گلستان اهل تشیع و نزدیک ۴۰ درصد اهل تسنن را تشکیل می‌دهند. اهل تشیع متشکل از تمامی گروه‌های فارس زبان اعم از سیستانی، بومیان، ترک، می‌باشند و اهل تسنن را تمام گروه‌های ترکمن، قزاق و بلوچ تشکیل می‌دهند.



چارچوب نظری

هویت مجموعه‌ای از علائم، آثاری مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می‌شود. به عبارتی به شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که پدیده‌ای (انسانی - غیر انسانی، اجتماعی - غیر اجتماعی) را از سایر پدیده‌ها متمایز می‌سازد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۶). هویت رابطه مستقیم با فهم و درک افراد از خود و دیگری دارد و در نهایت این که ممکن است تغییر و تحول در فرهنگ نسل-ها به طول بینجامد حتی تغییر نکند ولی هویت‌های متعددی در آن شکل گیرد. زیرا هویت رابطه-ای مستقیم با تفسیر و باز تفسیر انسان‌ها دارد (غرایاق زندگی، ۱۳۸۴: ۵۱). همچنین هویت‌ها پدیده‌ای تاریخی هستند و اساساً زمانی می‌توان به خصوصیتی اطلاق هویت نمود که تاریخ شکل‌گیری و استقرار داشته باشد (عاملی، ۱۳۷۸: ۲۳۴).

هویت ملی گسترده‌ترین و فراگیرترین هویت اجتماعی در سطح اجتماع می‌باشد. هویت ملی عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، دلبستگی‌ها و پیوندهای تاریخی، جغرافیایی، که زندگی انسانی (غیر حیوانی) را در بر می‌گیرد و اعضا جامعه به آن افتخار می‌کنند (میرمحمدی: ۱۳۸۳، به

نقل از روح‌الامینی). در واقع هویت ملی را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، فرهنگی و روانی دانست که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شوند (حاجیان، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

هویت قومی به مجموعه شاخص‌های مختص یک گروه انسانی گویند که آن را از سایر گروه‌ها متفاوت می‌نماید. اعتقاد به یک نیای مشترک، اسطوره، نژاد، زبان و دین واحد. همچنین سکونت در یک سرزمین از جمله این شاخص‌ها است که یک اجتماع انسانی را در هیأتی همانند و یک شکل با هم متحد و همبسته می‌سازد. این عوامل به منزله شناسنامه یک جمع انسانی بوده و از طریق آن می‌توان به بسیاری از خصلت‌های اعضای آن پی برد (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

جهت بررسی رابطه این هویت‌ها نظریه استرایکر را طرح می‌کنیم. استرایکر در ابتدا «هویت مرکزی» و اصلی اشخاص را نشان می‌دهد و در مرحله بعد رابطه آن را با دیگر هویت‌های افراد در زمینه ساختار اجتماعی را طرح می‌کند. استرایکر معتقد است که بسیاری از کنش‌های رفتاری ما در ساختارهای اجتماعی مشخص تعیین پذیرند و افراد تقریباً از انتظارات هویتی و نقشی خود در موقعیت‌ها آگاه هستند اما همچنان که شروع به کنش متقابل می‌کنند، شکل و محتوای کنش متقابل آنها ممکن است تغییر کند و همسو با انتظارات آنها از آن موقعیت ساختاری نباشد. مقدار این تغییرات به نوع ساختار اجتماعی بستگی دارد. اما در هر صورت ساختارها کنش‌های افراد را محدود می‌کنند. به اعتقاد استرایکر، هویت‌ها ارتباطی مابین خود و ساختارها هستند زیرا به باور وی، هویت‌ها نمایش‌هایی هستند که افراد در رابطه با موقعیتشان در ساختار اجتماعی اجرا می‌کنند. این نمایش‌های ساختاری و موقعیتی در نزد استرایکر در سلسه مراتبی از برجستگی قرار می‌گیرند. این برجستگی هویت‌ها سبب می‌شود که هویتی که در سلسه مراتب بالاتری قرار گرفته است نسبت به هویتی که در سطح پایین‌تری قرار گرفته است بیستر استفاده شود. وی همچنین معتقد است که اگر محدودیت‌های ساختاری کم باشد یا ساختار گنگ یا نامشخص باشد افراد می‌توانند هویت چندگانه را برای خود اتخاذ کنند. اما در مقابل اگر ساختار محدودیت فراوان بر کنشگران وارد سازد نوع و میزان برجستگی هویت‌ها پیش‌بینی‌پذیر می‌شود و افراد معمولاً هویت برجسته را برای خود بر می‌گزینند. بر این اساس عوامل اجتماعی و زمینه‌ای یا در واقع، ساختارهای متفاوت، موجب تغییر شکل و محتوای کنش متقابل افراد می‌شوند، بدین سبب مفهوم عوامل زمینه‌ای از نظر استرایکر استخراج شده این مفهوم یا در واقع ساختارهای متفاوت معنابخش به

هویت با استفاده از چهارعامل؛ سن، نوع قومیت، مذهب و جنس، سنجش خواهد شد. که مبتنی بر ساختارهای متفاوت این هویت‌ها برجستگی خواهند یافت یا فرونشست خواهند کرد (استرایکر، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

نظریه دیگری که می‌تواند چارچوب تئوری را برای این تحقیق فراهم سازد نظریه نوسازی است. نظریه نوسازی، به دو دسته تقسیم می‌شود؛ اول نظریه پردازانی که به تاثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی اشاره می‌کنند و دوم نظریه‌هایی که بر تاثیر نوسازی بر افزایش هویت قومی توجه دارد. در نوع اول نظریه‌پردازانی مانند کارل دویچ، کلیفورد گیرنز و مک کورمک به تاثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی با مثبت خواندن نقش عناصر مدرنیته بر فرایند رو به کاهش ستیزه‌های قومی تاکید ورزیده‌اند. از این منظر نوسازی در فرایند مدرنیته به گونه‌ای نگرش‌های قومی را محدود و تضعیف می‌گرداند. این نظریه پردازان معتقدند تحت تاثیر فرآیند مدرنیته «سنت‌ها و تعهدات جمعی و دیگر عناصر هویت بخش محدود، مانند ملیت و قومیت جایگاه و اهمیت خود را از دست می‌دهند و نفوذپذیری مرزها بین اجتماعات مختلف افزایش می‌یابد. در این معنا مواریت مثبت مدرنیته مردم و ملل مختلف جهان را به یکدیگر نزدیک کرده و جهان را به یک دهکده کوچک تبدیل کرده است. مثل افزایش چگالی روابط دول و بین‌الملل، گسترش ارتباطات جمعی و وسایل حمل و نقل، مجازی شدن روابط در سطح بین‌الملل، گسترش آموزش رسمی و افزایش سطح سواد در جهان، آشنایی مردم جهان با آداب و رسوم و تاریخ و فرهنگ ملل مختلف، افزایش عام‌گرایی در سطح جهان، تعمیم‌گرایی فضایی، گسترش شاهراه‌های اطلاعاتی و سهولت دسترسی به آنها در اکناف جهان و غیره (چلبی ۱۳۸۲: ۳۰۸). بدین سان گسترش شبکه‌های جهانی رایانه‌ای و ماهواره‌ای و افزایش تعاملات هویت‌های فرهنگی، جملگی موجب ارتباط فرآیندهای فرهنگ‌های بومی گوناگون و رشد آنها و در نتیجه تحقق هویت بشری فراملی می‌شود. لذا نوسازی جهان را به صورت شبکه‌ای واحد از روابط اجتماعی در آورده که جریانی از معانی بشری را در میان مناطق مختلف برقرار کرده است (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۹). چنین شرایطی نگاه‌های قومی را به مثابه نگرشی محدود و خرد کم‌رنج ساخته است.

نظریه محرومیت نسبی تدرابرت گر (۱۹۶۰) نیز، به انتظارات ارزشی فرد به مثابه هویت فردی در قیاس با وضعیت موجود اجتماعی توجه کرده و ارتباط آن را با هویت قومی و اجحاف

ساختاری نسبت به آن مورد توجه قرار داده است. به نظر گر، احساس محرومیت نسبی در شرایط وجود شکاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی محیط بر پاسخگویی به آن انتظارات ظاهر می‌شود. از شروط اولیه لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشمگیری از افراد اجتماع است و هر چه محرومیت نسبی شدت بیشتری داشته باشد شدت خشونت مدنی افزایش پیدا می‌کند. به عقیده رابرت گر اساساً هویت قومی زمانی اهمیت خود را می‌یابد که افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقاتشان به آن گروه احساس کنند رفتار تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های قومی دیگر دریافت می‌کنند. این احساس نه تنها در زمان از بین رفتن امتیازات (اقتصادی و اجتماعی و.....)، بلکه زمانی بر شدت آن افزوده می‌شود که انتظارات گروه‌هایی که مورد تبعیض قرار گرفتن رو به فزونی می‌گذارد. به عقیده گر زمانی که تعداد زیادی از یک گروه قومی هم زمان این احساس در آن‌ها شکل بگیرد شرایط برای آغاز یک خشونت سریع و ناگهانی علیه گروه دیگر فراهم می‌شود. میراث تاریخی ناشی از بی‌اعتمادی و ذهنیت قربانی شدن باعث افزایش این احساس محرومیت می‌گردد. لذا با توجه به این نظریه شرایط نامساعد و بی‌توجهی به انتظارات اقوام محتمل است خشونت و تنش مدنی را ایجاد کند (مرشدی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۷).

روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب روش کمی و با استفاده از روش پیمایشی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. در این تحقیق با بهره‌گیری از فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه گردید ($n = \frac{Nz^2}{4NE^2 + z^2}$ ، حجم نمونه $n = 196$ ، $z = 1.96$ ، $E = 5\%$ میزان خطا، جمعیت استان $N = 299$ نفر از مردمان ترکمن در شهرهای مختلف ترکمن‌نشین استان گلستان می‌باشد این قوم در ۹ طایفه (یموت، تکه، قره، ساریق، گوگلان، سالور، آل‌علی، ارساری و چاودر) می‌باشد. که به توازن جمعیتی طوایف، پرسشنامه‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده است و بین آنان تقسیم گردید. برای محاسبه روایی از روش روایی صوری و برای محاسبه پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفا برای هویت قومی 0.867 و برای هویت ملی 0.794 شده است که چون از 0.7 بالاتر است بنابراین ابزار پژوهش، پایایی دارد. همچنین

برای محاسبه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که در سطح توصیفی؛ توزیع فراوانی و میانگین و در سطح استنباطی؛ از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی تک نمونه‌ای، تی وابسته و تی مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شده است که همراه با جداول مربوطه به ترتیب در ذیل اشاره می‌شود.

یافته‌های توصیفی

در قسمت توصیفی علاوه بر مشخصات فردی پاسخگویان (در دو جدول)، گویه‌های هویت قومی و هویت ملی با توجه به فراوانی آن‌ها برآورده شده است که در دو جدول نشان داده می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس، وضعیت تأهل و محل سکونت

درصد	تعداد		
۵۴/۸	۱۶۴	مرد	جنس
۴۵/۲	۱۳۵	زن	
۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع	
۵۰/۸	۱۵۲	مجرد	وضعیت تأهل
۴۶/۲	۱۳۸	متأهل	
۳/۰	۹	سایر	
۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع	
۷۰/۲	۲۱۰	شهر	محل سکونت
۲۹/۸	۸۹	روستا	
۱۰۰/۰	۲۹۹	جمع	

جدول (۱)، با توجه به یافته‌های پژوهش؛ ۵۴/۸ درصد از پاسخگویان تحقیق را مردان و ۴۵/۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند، ۵۰/۸ درصد افراد مجرد و ۴۶/۲ درصد افراد متأهل (۳/۰ درصد را سایر افراد: مطلقه، همسر فوت شده و ...) و ۷۰/۲ درصد، ساکن شهر و ۲۹/۸ درصد آنها ساکن روستا می‌باشند.

جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد (میلیون تومان) و هزینه (میلیون تومان)

قوم	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
سن	۱۸	۷۰	۲۹/۵۴	۱۱/۲۷
تحصیلات	۵	۲۲	۱۴/۱۳	۲/۹۲
درآمد	۰	۱۰۰	۸/۴۸	۱۰/۱۷
هزینه	۰	۳۰	۶/۴۹	۵/۷۴

جدول (۲)، با توجه به یافته‌های پژوهش؛ در پاسخگویان متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد و هزینه در قالب یک سؤال باز و به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شد. لذا به ترتیب میانگین و انحراف معیار متغیرهای سن؛ ۲۹/۵۴ و ۱۱/۲۷ که در کل حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۸ و ۷۰ سال؛ تحصیلات ۱۴/۱۳ (فوق دیپلم / دانشجوی کارشناسی) و ۲/۹۲ که در کل، حداقل و حداکثر تحصیلات به ترتیب ۵ (پنجم ابتدایی) و ۲۲ (دکتر)، درآمد؛ ۸/۴۸ و ۱۰/۱۷ که در کل، حداقل و حداکثر درآمد به ترتیب ۰ (بدون درآمد) و ۱۰۰ میلیون تومان و هزینه؛ ۶/۴۹ و ۵/۷۴ که در کل، حداقل و حداکثر هزینه به ترتیب ۰ (بدون هزینه) و ۳۰ میلیون تومان بوده است.

جدول (۳). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های هویت قومی در بین قومیت ترکمن

گویه‌ها	اصلاً		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
میزان علاقه به رعایت آداب و رسوم قومی	۸	۲/۷	۱۲	۴/۰	۵۷	۱۹/۱	۹۴	۳۱/۴	۱۲۸	۴۲/۸
میزان علاقه به استفاده از پوشاک قومی و محلی	۱۱	۳/۰	۱۶	۵/۴	۴۸	۱۶/۱	۱۰۵	۳۵/۱	۱۱۹	۳۹/۸

جدول (۳). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های هویت قومی در بین قومیت ترکمن

گویه‌ها	اصلاً		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
میزان علاقمندی به موسیقی قومی، محلی و سنتی	۱۲	۴/۰	۲۳	۷/۷	۴۳	۱۴/۴	۸۵	۲۸/۴	۱۳۶	۴۵/۵
تکلم به زبان قومی با اعضا خانواده	۹	۳/۰	۶	۲/۰	۲۱	۷/۰	۷۳	۲۴/۴	۱۹۰	۶۳/۵
عشق ورزیدن به زبان قومی	۶	۲/۰	۷	۲/۳	۳۶	۱۲/۰	۸۳	۲۷/۸	۱۶۷	۵۵/۹
اندوهگین شدن از فراموشی زبان قومی	۲۲	۷/۴	۱۲	۴/۰	۳۲	۱۰/۷	۶۸	۲۲/۷	۱۶۵	۵۵/۲
علاقمندی به تدریس زبان قومی در مدارس و دانشگاه‌ها	۳۳	۱۱/۰	۱۴	۴/۷	۵۱	۱۷/۱	۹۱	۳۰/۴	۱۱۰	۳۶/۸
میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی	۲۰	۶/۷	۱۲	۴/۰	۴۴	۱۴/۷	۹۸	۳۲/۸	۱۲۵	۴۱/۸
میزان آشنایی با نمادهای قوم ترکمن	۱۶	۵/۴	۲۳	۷/۷	۶۳	۲۱/۱	۹۹	۳۳/۱	۹۸	۳۲/۸
میزان افتخار به تاریخ قومی	۱۲	۴/۰	۸	۲/۷	۴۱	۱۳/۷	۷۹	۲۶/۴	۱۵۹	۵۳/۲
مسلمان بودن برایم مهمتر از قومی بودن است	۱۵	۵/۰	۸	۲/۷	۴۲	۱۴/۰	۸۹	۲۹/۸	۱۴۵	۴۸/۵

جدول (۳)؛ با توجه به یافته‌های پژوهش، بیشترین موافقت با «تکلم به زبان قومی با اعضا خانواده» و کمترین موافقت با «میزان آشنایی با نمادهای قومی» بوده است. ما بین این دو طیف؛ «عشق ورزیدن به زبان قومی»، «اندوهگین شدن از فراموشی زبان قومی»، «میزان افتخار به تاریخ قومی»، «مسلمان بودن برایم مهمتر از قومی بودن است»، به ترتیب گویه‌هایی نزدیک به بالا تا متوسط و گویه‌هایی چون؛ «میزان علاقمندی به موسیقی قومی، محلی و سنتی»، «میزان علاقه به رعایت آداب و رسوم قومی»، «میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی»، «میزان علاقه به استفاده از پوشاک قومی و محلی»، «علاقتمندی به «تدریس زبان قومی در مدارس و دانشگاه‌ها»، گویه‌هایی متوسط و تا حد پایین بودند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های هویت ملی در بین قومیت ترکمن

گویه‌ها	اصلاً		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
علاقتمندی به پرچم سه رنگ	۱۱	۳/۷	۱۳	۴/۳	۴۰	۱۳/۴	۷۳	۲۴/۴	۱۶۲	۵۴/۲
استفاده از پوشش رسمی مدارس	۲۸	۹/۴	۳۱	۱۰/۴	۵۶	۱۸/۷	۸۰	۲۶/۸	۱۰۴	۳۴/۸
علاقتمندی به مراسم ملی	۱۳	۴/۳	۳۰	۱۰/۰	۶۲	۲۰/۷	۷۵	۲۵/۱	۱۱۹	۳۹/۸
علاقتمندی به موسیقی سنتی فارسی	۲۲	۷/۴	۳۷	۱۲/۴	۷۴	۲۴/۷	۷۴	۲۴/۷	۹۲	۳۰/۸
زبان فارسی زبان ملی ما ایرانیان است	۱۳	۴/۳	۱۱	۳/۷	۵۰	۱۶/۷	۷۰	۲۳/۴	۱۵۵	۵۱/۸
زبان فارسی را کنار زبان مادری دوست دارم	۱۳	۴/۳	۱۶	۵/۴	۴۷	۱۵/۷	۷۶	۲۵/۴	۱۴۷	۴۹/۲
تکلم با زبان فارسی با اعضا خانواده	۷۸	۲۶/۱	۵۹	۱۹/۷	۶۲	۲۰/۷	۴۰	۱۳/۴	۶۰	۲۰/۱
سرزمین ایران را	۱۴	۴/۷	۱۶	۵/۴	۳۸	۱۲/۷	۷۵	۲۵/۱	۱۵۶	۵۲/۲

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های هویت ملی در بین قومیت ترکمن

گویه‌ها	اصلاً		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
دوست دارم و به آن عشق می‌ورزم										
بود و نبود ایران برایم فرقی ندارد	۱۶۱	۵۳/۸	۳۶	۱۲/۰	۳۵	۱۱/۷	۲۹	۹/۷	۳۸	۱۲/۷
حاضر نیستم در کشوری غیر از ایران زندگی کنم	۶۰	۲۰/۱	۴۷	۱۵/۷	۷۰	۲۳/۴	۶۵	۲۱/۷	۵۷	۱۹/۱
من به دانستن تاریخ کشورم علاقمندم	۱۸	۶/۰	۲۵	۸/۴	۵۴	۱۸/۱	۷۱	۲۳/۷	۱۳۱	۴۳/۸
تاریخ سرنوشت مشترک ما ایرانیان است	۱۶	۵/۴	۲۲	۷/۴	۶۱	۲۰/۴	۸۴	۲۸/۱	۱۱۶	۳۸/۸
مسلمان بودن برایم مهمتر از ایرانی بودن است	۴۶	۱۵/۴	۹	۳/۰	۴۵	۱۵/۱	۵۸	۱۹/۴	۱۴۱	۴۷/۲

جدول (۴)؛ با توجه به یافته‌های پژوهش، علاقمندی ملی مردمان ترکمن با گویه‌های متنوعی ارزیابی شد که بیشترین موافقت با «علاقمندی به پرچم سه رنگ» و کمترین موافقت با «بود و نبود ایران برایم فرقی ندارد» بوده است. بین این دو طیف گویه‌هایی چون؛ «سرزمین ایران را دوست دارم و به آن عشق می‌ورزم»، «زبان فارسی زبان ملی ما ایرانیان است»، «زبان فارسی را کنار زبان مادری دوست دارم»، «تکلم با زبان فارسی با اعضا خانواده»، «مسلمان بودن برایم مهمتر از ایرانی بودن است»، «حاضر نیستم در کشوری غیر از ایران زندگی کنم» نزدیک به موافقت بالا، گویه‌های؛ «علاقمندی به مراسم ملی»، «تاریخ سرنوشت مشترک ما ایرانیان است»، «استفاده از پوشش رسمی مدارس»، «علاقمندی به موسیقی سنتی فارسی» نزدیک‌ترین گویه‌ها در سطح متوسط و گویه‌های «تکلم با زبان فارسی با اعضا خانواده» و «حاضر نیستم در کشوری غیر از ایران زندگی کنم» نزدیک به پایین‌ترین مرتبه بودند.

یافته‌های استنباطی

قبل از انجام آزمون‌های آماری از آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای محاسبه نرمالیتی متغیرها استفاده می‌شود:

جدول (۱): آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای محاسبه نرمالیتی متغیرها (نکته: با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون برای هر دو متغیر بالاتر از ۵ صدم است بنابراین نرمال بودن متغیرها تأیید می‌شود).

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
هویت قومی	۰/۰۵۲	۰/۲۰۰
هویت ملی	۰/۰۵۷	۰/۱۳۷

آزمون فرضیه‌های پژوهش با سه روش؛ آزمون تی (تک نمونه‌ای، وابسته)، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی مستقل انجام شده است. که در ذیل همراه به با نمایش جداول به آن‌ها اشاره می‌شود.

برای بررسی گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان از آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱ استفاده شده است. عدد ۲ به عنوان میانگین نظری (دامنه تغییرات ۰ تا ۴ بوده است) در نظر گرفته شد تا با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای مشخص گردد که گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان چقدر است.

جدول (۵): آزمون تی تک‌نمونه‌ای: سنجش گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
گرایش به هویت ملی	۲/۶۵	۰/۷۴۳	۱۵/۰۵۳	۲۹۸	۰/۰۰۱
گرایش به هویت قومی	۲/۸۸	۰/۷۰۵	۲۱/۵۹۴	۲۹۸	۰/۰۰۱

جدول (۵)، همانطور که خروجی این آزمون‌ها نشان می‌دهد میانگین گرایش به هویت ملی ($\bar{X} = ۲/۶۵$) و هویت قومی ($\bar{X} = ۲/۸۸$) در بین ترکمن‌های استان گلستان در بین نمونه مورد مطالعه بوده است. این دو میانگین به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نظری (۲) ($\text{Sig} = ۰/۰۰۱$) می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مجموع، میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان در جامعه آماری این تحقیق بیشتر از متوسط مورد نظر است و لذا فرضیه مربوطه (۱) تأیید می‌شود.

1 One Sample t-test

فرضیه بعد (۲)، مدعی است که میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی در بین ترکمن‌های استان گلستان، متفاوت است. برای بررسی صحت و سقم این فرضیه از آزمون تی وابسته^۱ استفاده شده است. خروجی آزمون تی در زیر نشان داده شده است:

جدول ۶.۶ آزمون تی وابسته: مقایسه میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی در بین ترکمن‌های استان گلستان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معنی داری
هویت قومی	۲/۸۸	۰/۷۰۵	۴/۵۱۷	۰/۰۰۱
هویت ملی	۲/۶۴	۰/۷۴۳		

جدول (۶)، خروجی این آزمون نشان می‌دهد که بین میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی در بین ترکمن‌های استان گلستان، تفاوت معنی داری وجود دارد ($Sig = ۰/۰۰۱$). لذا می‌توان فرض صفر را رد کرد. به عبارت دیگر میانگین گرایش به هویت ملی (۲/۶۴) به طور معنی داری کمتر از گرایش به هویت قومی (۲/۸۸) است. بنابراین فرضیه (۲)، تأیید می‌شود.

ضریب همبستگی پیرسون

با توجه به اینکه چهار متغیر؛ سن، درآمد، هزینه و تحصیلات، با گرایش به هویت قومی و هویت ملی در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیات استفاده شده است که خروجی آن‌ها در یک جدول، ادغام و نمایش داده شده است.

جدول ۷. خروجی ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون رابطه‌های سن، درآمد، هزینه و تحصیلات با گرایش به هویت قومی و هویت ملی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب پیرسون	سطح معناداری
سن	گرایش به هویت قومی	-۰/۰۷۳	۰/۲۱۰
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۸۷	۰/۰۰۱
درآمد	گرایش به هویت قومی	-۰/۱۳۹	۰/۰۱۷
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۷۳	۰/۰۰۳
هزینه	گرایش به هویت قومی	-۰/۱۳۱	۰/۰۲۶
	گرایش به هویت ملی	-۰/۱۶۸	۰/۰۰۴
تحصیلات	گرایش به هویت قومی	-۰/۰۰۶	۰/۹۱۳
	گرایش به هویت ملی	۰/۱۵۵	۰/۰۰۷

جدول (۷)، با توجه به یافته‌های پژوهش دو متغیر سن و تحصیلات، با گرایش به هویت قومی رابطه معنی‌دار ندارند و تغییرات آن‌ها در میزان این گرایش بین قوم ترکمن تأثیری نداشته و فرضیات مربوطه رد می‌شود. اما دو متغیر درآمد و هزینه رابطه معکوس و معنادار (اگرچه با ضریب ضعیف) داشته و فرضیه مرتبط با آن تأیید می‌شود.

همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که هر چهار متغیر؛ سن، درآمد و هزینه با گرایش به هویت ملی رابطه معکوس و معناداری و با متغیر تحصیلات نیز رابطه مثبت و معناداری داشته است و فرضیات مرتبط با آن تأیید می‌شود.

آزمون تی مستقل

با توجه به اینکه سه متغیر؛ جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل در یک مقایسه میانگین برای گرایش به هویت قومی و هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند از آزمون تی مستقل^۱ استفاده می‌کنیم. لذا بررسی صحت و سقم فرضیات مربوطه و خروجی آن‌ها در یک جدول، ادغام و نمایش داده شده است.

جدول (۸). خروجی آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین گرایش به هویت قومی و هویت ملی بر حسب جنس، محل سکونت و وضعیت تأهل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنسیت						
گرایش به هویت قومی	مرد	۲/۹۷	۰/۵۹۰	۲/۲۵۵	۲۹۷	۰/۰۲۵
	زن	۲/۷۷	۰/۸۱۴			
گرایش به هویت ملی	مرد	۲/۶۸	۰/۶۷۸	۰/۷۸۱	۲۹۷	۰/۴۴۴
	زن	۲/۶۱	۰/۸۱۷			
محل سکونت						
گرایش به هویت قومی	شهر	۲/۸۵	۰/۶۷۲	-۰/۹۵۷	۲۹۷	۰/۳۴۰
	روستا	۲/۹۴	۰/۷۷۸			
گرایش به هویت ملی	شهر	۲/۶۴	۰/۷۴۲	-۰/۰۹۳	۲۹۷	۰/۹۲۶
	روستا	۲/۶۵	۰/۷۴۹			
وضعیت تأهل						
گرایش به هویت قومی	مجرد	۲/۸۹	۰/۷۱۷	-۰/۳۲۳	۲۸۸	۰/۷۴۷
	متأهل	۲/۸۶	۰/۶۹۸			

1 Independent Samples T-Test

۰/۰۱۸	۲۸۸	۲/۳۷۳	۰/۶۹۶	۲/۷۴	مجرد	گرایش به هویت ملی
			۰/۷۷۹	۲/۵۳	متأهل	

جدول (۸)، با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین گرایش به هویت قومی بر حسب جنس معنادار است و فرضیه مربوطه تأیید می‌شود اما محل سکونت و وضعیت تأهل در گرایش هویت قومی مردمان ترکمن تأثیری نداشته و معنادار نمی‌باشد. لذا فرضیات مرتبط تأیید نمی‌شود.

از طرفی این یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین گرایش به هویت ملی بر حسب جنس و همچنین محل سکونت معنادار نمی‌باشد و این متغیرها در میزان گرایش به هویت ملی اقوام ترکمن، تأثیر چندانی نداشته و فرضیات مرتبط با آن‌ها تأیید نمی‌شود اما در ارتباط با وضعیت تأهل تأیید شده است و میزان گرایش به هویت ملی در افراد مجرد به طور معنی‌داری بیشتر از افراد متأهل است و فرضیه مربوط به آن قابل تأیید است.

نتیجه‌گیری

سرزمین پهناور ایران با گذشته کهن، وارث فرهنگ و تمدنی فراگیر است که در طول هزاران سال، گستره‌ای از تنوعات زبانی، مذهبی، گویش‌ها، آداب و عادت و مناسک و غیره را با انعطاف و تساهل فراوان به وجود آورده است و گروه‌های زبانی - مذهبی متعدد طی قرن‌ها در کنار هم زیسته و تجربیات تاریخی و میراث فرهنگی واحدی را کسب کرده‌اند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۸۲). اقوام ساکن ایران هر یک دارای مؤلفه‌های فرهنگی، نژادی، مذهبی و زبانی خاص خود می‌باشند که این ویژگی‌ها موجب تمایز آنان با دیگر اقوام می‌گردد. از دیگر سو اقوام ایرانی عموماً در نواحی مرزی و پیرامونی سکونت داشته و در بسیاری از موارد به دلیل وجود مرزهای احتمالی، دوطرفه می‌باشند. بدین معنی که ساکنین این سوی مرزها با ساکنین نواحی مرزی کشور - هایی همسایه دارای پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی می‌باشند که این امر و تاثیرپذیری آنان از کشورهای همسایه چالش برانگیز می‌نماید. علاوه بر مسائل بالا تحولات در عرصه سیاست و نظریه‌پردازی تاثیرات خاص خود را در ایران نیز به جای گذاشت و بحث مسائل قومی همپای محیط بین‌المللی در ایران نیز به عنوان یک کشور متکثر و مرکب از اقوام و خرده فرهنگ‌های متفاوت مورد توجه قرار گرفت. از این رو تحقیق حاضر با توجه به اهمیت مسائل اشاره شده به

بررسی اقوام ترکمن و وضعیت درون قومی آنان از یک سو و گرایشات ملی آنان از سوی دیگر پرداخته است. لذا میزان گرایش به هر کدام از هویت‌های قومی و ملی و همچنین مقایسه این دو را در بین این قوم بررسی کردیم. ضمن آنکه شرایط فردی و اجتماعی آنان را در ارتباط با گرایشات قومی و ملی ارزیابی و به مقایسه نشانیدیم.

نتایج گویای آن است که از منظر هویت قومی، مردمان ترکمن، زبان قومی را بالاترین مشخصه هویتی قوم خود دانسته و بیشترین تعلق خاطر را به آن دارند لذا ترجیح آنان بر تکلم زبان قومی (غیر از اماکن رسمی) است و فراموشی و به نوعی ضعف استفاده از آن را ناراحت‌کننده می‌دانند. افتخار به تاریخ قومی نیز تا حدی درصد بالای بین آنان دارد و پایین‌تر از حد متوسط مسلمان بودن به ترکمن بودن برای این قوم موضوعیت دارد. علاقمندی به موسیقی محلی نیز در حد متوسط و آداب و رسوم قومی کمی پایین‌تر از آن می‌باشد. اما تمایل به استفاده از پوشاک محلی در بین این قوم چندان دیده نمی‌شود و همچنین علاقه چندان به تدریس زبان قومی در مقاطع تحصیلی خود ندارند. از همه مهمتر میزان آشنایی با نمادهای قومی در بین آنان بسیار اندک است و ضعف شناختی به چنین میراث‌های قومی در آنان دیده می‌شود.

این وضعیت تا حدی می‌تواند مبتنی بر نظریه نوسازی ناظر بر تأثیرات نوسازی بر کاهش هویت قومی تبیین گردد. مبتنی بر این نظریه، فرایند مدرنیته با گسترش ارتباطات جمعی و وسایل حمل و نقل و مجازی شدن روابط در سطح بین‌الملل و... افزایش عام‌گرایی در سطح جهان را موجب می‌شود و به نوعی کاهش حساسیت نسبت به فرهنگ قومی رخ می‌دهد (چلبی، ۱۳۸۲: ۳۰۸). بدین‌سان گسترش شبکه‌های جهانی رایانه‌ای و ماهواره‌ای و افزایش تعاملات هویت‌های فرهنگی موجب ارتباط فزاینده فرهنگ‌های بومی گوناگون و رشد آنها و در نتیجه تحقق هویت بشری فراملی می‌شود و به موازات آن اهمیت فرهنگ‌های قومی را کمرنگ می‌گرداند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۹). در کل نتایج نشان می‌دهد گرایش‌های قومی مردمان ترکمن در ابعاد مختلف چندان قوی نمی‌باشد و این امر علاوه بر تبیین نظری اشاره شده می‌تواند در حد قابل توجه‌ای نشان از فقدان شناخت ابعاد تاریخ قومی بین این مردمان باشد که این مسأله نیز خلاء آموزشی در حوزه‌های مربوطه را برای این قوم عیان می‌سازد. ضمن آنکه محدودیت‌های ساختاری در معرفی و بازخوانی هویتی و سلطه فرهنگ کلان، این قوم را در یک بی‌میلی و بی‌توجهی به حفظ و معرفی

تاریخ قومی که به نوعی ناشی از انزوای قومی می‌باشد کشانده است. در اینجا نیز مبتنی بر نظر (۲۰۰۰)، می‌توان گفت هویت قومی این افراد با توجه به شرایط و ساختاری که در آن قرار گرفته‌اند تحت‌الاشعاع قرار گرفته است. لذا واکاوی و قدرت عیان‌سازی هویت قومی اقوام ترکمن در ساختار ملی مخدوش گشته و به نوعی ساختار غالب قدرت عرضه و برجستگی آن را تضعیف گردانده است (استرایکر، ۲۰۰۰: ۲۸۶). البته نتایج آماری و مباحث نظری اشاره شده بر خلاف هویت قومی در بین اقوام ترک و کرد می‌باشد که چلبی (۱۳۹۷)، در پژوهش خود نشان داده است. ایشان در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی به این نتیجه دست یافت که دل‌بستگی ترک آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دل‌بستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر اقوام است و از ابعاد اشاره شده هویت قومی برای آنان برجسته است.

ادامه مباحث آماری، عوامل مؤثر بر گرایش‌ات قومی مردمان ترکمن را نشان می‌دهد. از این رو داده‌ها حاکی از آن است که دو عامل تأثیرگذار بر گرایش قومی این مردمان، درآمد و هزینه‌های آنان است که رابطه معکوس و معنادار دارد. همچنین میانگین گرایش به هویت قومی بر حسب جنس (برخلاف هویت ملی که متغیر جنس در آن نقشی ندارد)، رابطه دارد و به میزان معناداری هویت قومی در زنان قوم ترکمن پررنگ‌تر است. شاید به نوعی دل‌بستگی بیشتر زنان به هویت قومی معطوف به شرایط زیسته آنان باشد. مبتنی بر رویکرد نوسازی با توجه به اینکه زنان این قوم تحصیلات پایین تری نسبت به مردان دارند، بالطبع تأثیرات آشنایی با نظام‌های جهانی و فرهنگ عام‌گرایی در آنان کمتر دیده می‌شود. همچنین همسو با نظر استرایکر زنان به جهت غلبه تجربه‌های اجتماعی درون‌گروهی و مواجهه کمتر با نشانه‌های قدرت ساختاری، امکان بازخوانی هویت قومی خود را بیشتر دارند^۱.

بعد از هویت قومی با طرح سؤالاتی نگرش اقوام ترکمن را نسبت به هویت ملی جویا شدیم. آمارها نشان می‌دهد بیشترین میزان علاقه‌مندی آنان، پرچم ایران به منزله نماد میهن پرستی است و بعد از آن عشق و تعلق خاطر به سرزمین ایران می‌باشد. علاقه‌مندی به زبان ملی و قرار دادن

۱. چنین آمارهای می‌تواند ناشی از فراوانی کمتر زنان نسبت به مردان در نمونه آماری دانست. لذا در این حوزه‌ها نیازمند به پژوهش‌های بیشتری می‌باشیم.

آن کنار زبان مادری فراوانی بعد بود که به آن اشاره داشتند. این قوم به میزان، بسیار کمی بالاتر از حد متوسط ایرانی بودن را بر مسلمان بودن ترجیح داده‌اند. بعد از آن تمایل به زندگی در ایران بود که پایین تر از متوسط مشخص شد. همچنین علاقمندی به مراسم ملی و اعتقاد به سرنوشت مشترک تاریخی با ایرانیان، چندان در آنان قوی دیده نشده است. این قوم چندان به پوشش رسمی در مدارس تمایل نداشتند و علاقه چندان به موسیقی ایرانی نشان ندادند. همچنین درصد موافقت تکلم به زبان فارسی با اعضای خانواده در آنان بسیار پایین بود. در نهایت درصد بسیار کمی زندگی در کشوری دیگر را ناطلوب می‌دانستند، علی‌رغم آنکه بود و نبود ایران برای آنان بسیار مهم ارزیابی شد. که نشان می‌دهد فارغ از مسائل جانبی سرنوشت ایران در جایگاه کشور مادری برای آنان موضوعیت دارد.

همچنین در ارتباط با هویت ملی، آمارها نشان می‌دهد که متغیرهایی چون؛ سن (برخلاف هویت قومی که متغیر سن در آن نقشی ندارد)، درآمد و هزینه‌های مردمان ترکمن با گرایش‌های ملی آنان رابطه معکوس و معنادار دارد. این رابطه در تحصیلات نیز معنادار اما به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. ضمن آنکه میانگین گرایش به هویت ملی با وضعیت تأهل نیز ارتباط دارد و میزان گرایش به هویت ملی در افراد مجرد به طور معنی‌داری بیشتر از افراد متأهل است. در ارتباط با سن می‌توان گفت سنین جوانی دوره کسب تجربیات جدید با گشودگی به جهان خارج است لذا نگاه-های فراملی در این گروه نسبت به سنین بالاتر بیشتر دیده می‌شود. همچنین در ارتباط با وضعیت تأهل محتمل است ناشی از دل‌بستگی‌ها و تفکرات خارج از نظام خانواده باشد که در قشر مجرد بیشتر دیده می‌شود.^۱

نکته قابل توجه که از داده‌ها نمایان است، متغیرهای درآمد و هزینه‌ها است. نتایج نشان می‌دهد این دو متغیر علاوه بر آنکه گرایش ملی را تحت تأثیر قرار داده، گرایش قومی را نیز متأثر گردانده است. در این خصوص می‌توان گفت بالطبع دغدغه‌های مالی احساسات و تفکرات متعالی چون عشق به تاریخ و فرهنگ را در افراد کم‌رنگ و یا به نوعی خنثی می‌گرداند. حال چنین دغدغه‌هایی ممکن است به مدت طولانی باشد که نوعی بی‌صبوری و ناتوانی را در افراد ایجاد

۱. این آمار می‌تواند ناشی از تعداد بیشتر مجردان نسبت به متأهلان در نمونه آماری باشد و همسو با نمونه پیشین، نیازمند به پژوهش‌های بیشتری در حوزه‌های مربوطه می‌باشیم.

می‌کند یا در مقطع زمانی خاص که در یک مقایسه با وضعیت مساعدتر پیشین رخ می‌دهد. در تمام موارد نوعی شکاف، که حاصل مقایسه با دیگری در جامعه یا فاصله بین دو وضعیت قبلی و فعلی می‌باشد را در چشم افراد عیان می‌گرداند. به عبارتی مبتنی بر نظریه محرومیت نسبی شکاف بین انتظارات و دریافت‌های محیطی را نشان می‌دهد. منطبق بر نظر محرومیت نسبی گِر (۱۹۶۰)، اگر اقوام مختلف در جامعه متوجه چنین شکاف‌هایی گردند و در دایره قیاس با ساختار کلی و یا اقوام دیگر خود را محروم‌تر ببینند احتمال خشونت‌های مدنی از ناحیه محرومان، که در این میان می‌تواند از قومیت‌های جامعه باشد، بسیار می‌رود. لذا با توجه به این نظریه شرایط نامساعد و بی-توجهی به انتظارات اقوام و همچنین ایجاد فضای تبعیض و رقابتی بین آنان محتمل است خشونت و تنش مدنی را ایجاد کند. مصادیق مطلب اشاره شده قابل توجه است و همانطور که محمدزاده و خانی (۱۳۹۶)، در نتایج پژوهشی خود نشان داده‌اند، شکاف قومی در فرایند تاریخی در میان اقوام ایرانی فعال بوده و مواردی چون؛ تشکیل دولت متجدد و مرکزگرا، ملت‌سازی ناقص و ایجاد نابرابری قومی در ابعاد سیاسی و اجتماعی- فرهنگی و همچنین احساس تبعیض قومی در این شکاف‌های قومی نقش برجسته‌ای داشته است. همچنین مصداق عکس چنین نمونه‌هایی، افزایش انسجام ملی با اتحاد بین اقوام می‌باشد که در تحقیق جلالی (۱۳۹۷)، با بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک و کرد زبان در شهرستان میاندوآب دیده می‌شود. این محقق به دنبال آن بود که دریابد آیا پیوند ضعیف بین این دو قوم سبب انسجام ملی می‌شود یا نه، که در نهایت به این نتیجه رسید، اگر ارتباط بین این دو قوم افزایش یابد هویت ملی تقویت می‌شود و بلعکس. همچنین گودرز (۱۳۹۳)، در رساله خود به بررسی وضعیت شکاف قومی و مذهبی در منطقه غرب کشور (کرمانشاه و کردستان) و تاثیر آن بر امنیت ملی پرداخت و مبتنی بر نتایج دریافت که تراکم شکاف قومی و مذهبی در منطقه کردنشین غرب کشور، می‌تواند به خودی خود تضعیف در ساختار امنیت ملی را در پی داشته باشد.

در نهایت آمارها گویای آن است که میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین ترکمن‌های استان گلستان بیشتر از متوسط بوده است. از طرفی در یک مقایسه، بین گرایش به هویت قومی و هویت ملی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گرایش به هویت قومی بین این اقوام بیش‌تر از گرایش به هویت ملی است.

تقدیر و شکر

با افتخار لازم می‌دانیم نهایت قدردانی خود از مسئولین محترم منطقه‌های ترکمن‌نشین استان گلستان جهت هماهنگی‌های لازم برای کار پژوهشی، مسئولین ارجمند امور فرهنگی و اجرایی این مناطق به مثابه کارشناسان و هادیان علمی- پژوهشی و همچنین اقوام عزیز ترکمن استان گلستان، که صمیمانه در این مسیر ما را همراهی کردند اعلام نماییم.

فهرست منابع

- احمدی، حمید(۱۳۸۳)، **ایران هویت، ملیت، قومیت**. تهران: موسسه تحقیقات علوم انسانی.
- احمدی، حمید؛ گنج‌خانلو، مصدق(۱۳۹۳)، **رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان، مجله رهیافت سیاسی بین الملل**، دوره ۵ صص ۹۱-۶۲.
- گر، تدرابرت (۱۳۷۸)، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلالی، مهدی (۱۳۹۷)، **برسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک و آذری زبان، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی**، شماره ۳۷، صص ۹۳-۷۱.
- چلبی، مسعود(۱۳۷۸)، **میزگرد وفاق اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی**، دوره ۱، صص ۱۲-۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸)، **هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه(ملی) در ایران**، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسی نظم**، تهران: نشرنی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، **نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه‌شناسی سیاسی**، دوره ۹، صص ۱۶۳-۱۴۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی هویت ایرانی**، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹)، **جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۵، صص ۱۰۰-۷۱.
- رضایی، احمد (۱۳۸۴)، **تنوع فرهنگی در استان گیلان، فصلنامه مطالعات ملی**، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۲۳-۱۴۰.
- سختوتی‌فر، نورمحمد (۱۳۸۶)، **برسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی ترکمن‌ها در استان گلستان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد رضایی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی.
- شیخاوندی، داود(۱۳۷۹)، **تکوین و تنفیذ هویت ایرانی**، تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۷۸)، **فرآیند جهانی شدن و هویت ایرانی در بریتانیا، کتاب گفتمان ایرانیان**، مجموعه مقالات، تهران: فرهنگ و ارتباطات اسلامی، صص ۲۴۷-۲۱۹.
- غراویان‌زندی، داود (۱۳۸۴)، **روشنفکری، هویت و نوگرایی در ایران: نگاه شناخت شناسانه، فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۲۱، صص ۶۸-۴۷.
- گلی، امین‌الله (۱۳۶۶)، **تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها**، تهران: نشر علم.

گودرز، محمدولی (۱۳۹۳). بررسی وضعیت شکاف قومی و مذهبی در منطقه غرب کشور (کرمانشاه و کردستان)، تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی اصغر قاسمی.

میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)، گفتارهای درباره هویت ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

- Drake, C. (2019). National integration in Indonesia: Patterns and policies. University of Hawaii Press
- Kee, C. P., & Nie, K. S. (2017). A reflection of national integration process and the role of media in Malaysia. *Journal Komunikasi: Malaysian Journal of Communication*, 33(1)
- Sabatier;Coltte(2008);"Ethnic and national identity among secon-generation immigrant adolescents in France:The role of social context and family"Journal of Adolescence;VOL
- Shah, S. J., & Ishaque, W. (2017). Challenges of National Integration in Pakistan and Strategic Response. *ISSRA PAPERS*, 9(II).
- Striker•sheldon(2000)Identity theory in Encyclopedia of sociology•ed.Ef Borgata ML Borgatta•Machmillan.

